

آیا کتاب «الإمامة والسياسة» از ابن قتیبه دینوری است؟

نویسنده: محمدباقر سجودی

منبع: <http://islamtxt.net>

شبهه شیعه:

یکی از شبهه‌هایی که وهابی‌ها مطرح می‌کنند که در واقع با مطرح کردن آن می‌خواهند از واقعیت‌های مطرح شده در این کتاب فرارکنند، این است که می‌گویند، کتاب الإمامة والسیاسة، نوشته ابن قتیبہ دینوری نیست.

بنابراین، تحقیق و پاسخی هر چند مختصر بر این تلاش‌های غیر علمی را بر خود لازم می‌دانیم: اولاً: این کتاب بارها با نام مؤلف آن «ابن قتیبہ دینوری» در مصر و سایر کشورها چاپ شده و حتی چندین نسخه خطی از این کتاب در سراسر دنیا موجود است.

پاسخ اهل سنت:

ما پاسخ شیعه را با همان روش اول و دوما خودش جواب می‌دهیم: پاسخ اولاً: ما نگفتیم که کتاب امامه و سیاسة وجود خارجی ندارد تا تو این را بگویی گفتیم نویسنده آن يك شیعه است که بجای نام خود، نام ابن قتیبہ را بر روی کتاب نوشته. پس این جواب تو يك سفسطه و حق پوشی است و ربطی به موضوع ندارد. بله کتاب در کتاب‌خانه‌ها هست، اما نویسنده اش شخص دیگریست.

شیعه میگوید: ثانیاً: تا زمانی که عالمان اسلامی وجود دارند، استناد به کلمات مستشرقان (که منکر انتساب کتاب به ابن قتیبہ هستند)، دور از شأن يك محقق اسلامی است، و اصولاً در صحت انتساب و عدم آن چه نیازی به بیگانگان است؟

جواب ثانیاً: درست است! اما وقتی يك مستشرق یا يك نفر شیعه، یا هر کس دیگری حرفی می‌زند و دلیلی می‌آورد ما موظفیم دلیلش را بصورت علمی رد کنیم نه اینکه بگوییم چون غربی است یا شیعه است، پس دروغ می‌گوید!!

اگر اینطور باشد پس کار ما راحت میشود و عوض رد علمی در باره ادعای شما میتوانیم بگوییم مدعی شیعه است پس حرفش باطل است. دیدید به این روش جواب دادن، علمی نیست.

اما شما بیچاره‌ها چه کنید اگر چنین نکنید! جوابی ندارید کتاب شناسان غربی و شرقی روی این نکته انگشت گذاشتند که این کتاب مال ابن قتیبہ نیست و دلایلی ذکر کردند

که پایین تر مینویسم. شما عوض رد دلایل آنها گفتید چون غربی است پس کخ است! این نشد جواب

شیعه میگوید:

ثالثاً: بسیاری از عالمان اهل سنت؛ به تألیف این کتاب و صحت انتساب آن به «ابن قتیبه» تصریح داشته اند

۱. ابن حجر هیثمی در کتاب تطهیر الجنان و اللسان.

۲. ابن عربی مالکی، در کتاب العواصم من القواصم

۳. نجم الدین عمر بن محمد مکی مشهور به «ابن فهد» در کتاب اتحاف الوری باخبار امّ القرى

۴. قاضی ابوعبدالله تنوزی معروف به «ابن شباط» در کتاب الصلة السمطیه.

۵. تقی الدین فاسی مکی در کتاب العقد الثمین.

۶. یوسف ایان سرکیس در کتاب معجم المطبوعات العربیة

۷. فرید وجدی در کتاب دایرة المعارف القرن العشرين

۸. دکتر احمد زکی صفوت نویسنده شهیر معاصر و استاد زبان عربی در دانشگاه مصر در کتاب جمهرة خطب العرب

آیا تصریح این همه از علما و بزرگان اهل سنت بر انتساب این کتاب به ابن قتیبه کفایت نمی کند؟

جواب ثالثاً: اگر رای اکثریت علمای اهل سنت برایت حجت است پس حال تو زار است زیرا اگر تو نام ۸ نفر را نویستی که این کتاب را تألیف ابن قتیبه میدانند ۸۰۰۰ نفر بقیه نمیدانند

و بین این ۸ نفر، بقول تو علمای بزرگ!! افرادی وجود دارند که هیچکس آنها را نمیشناسد و بعضی دیگر، اهمیت چندانی ندارند و این نشانگر این است که برای یافتن همین ۸ شاهد هم، خیلی بزحمت افتادی!

و این نکته مهم را نیز ذکر نکردی که نویسندگان مشهور هم، به متن کتاب حمله کردند و در این باره بحث و توجه نکردند که ان را ابن قتیبه نوشته یا کسی دیگری برای اونها مهم بود که متن این نوشته را رد کنند حالا میخواهد نویسنده هر کس باشد پس تو داری سوء استفاده میکنی.

و باز، بروش همیشگی شیعه ها، به این شاهد ها هم دروغ بستی دروغی به بزرگی دروغ های دیگر شیعه!!! ما بین کتابهای این ۸ نفر فقط یکی را پیدا کردیم کتاب العواصم من القواصم ابن عربی را و دیدیم تو از زبان او دروغ بافتی.

حالا بتو میگوییم که از زبان او چه دروغی بافتی:

شیعه میگوید: رابعاً: عده ای از بزرگان اهل سنت علی رغم قبول صحت انتساب این کتاب به «ابن قتیبه» و تأیید حقایق تلخ و ناگواری که در آن از تاریخ صدر اسلام نقل شده، بر او ایراد گرفته اند که چرا وی به وظیفه پرده پوشی و سانسور حقایق و تحریف تاریخ عمل نکرده است! آن ها اظهار داشته اند که او نیز همچون دیگران می بایست از نقل این حقایق خودداری می کرد!!

ابن عربی در کتاب العواصم من القواصم اظهار می دارد:
(ومن اشد شیء علی الناس جاهل عاقل أو مبتدع محتال فأما الجاهل فهو ابن قتیبة فلم یبق ولم یذر للصحابة رسماً فی کتاب الامامة والسیاسة ان صح عنه جمیع ما فیه)
از جمله سخت ترین و ناگوارترین امور در جامعه یکی اندیشمند ناآگاه و دیگری بدعت گذار حيله گر است؛ اما اندیشمند ناآگاه همچون ابن قتیبه است که در کتاب «الامامة و السياسة» رسم [پرده پوشی] را در باره صحابه مراعات نکرده؛ اگر چه همه آنچه را که نقل کرده صحیح است.

اگر هیچ دلیل دیگری بر انتساب کتاب به ابن قتیبه وجود نداشت، جز همین سخن ابن عربی، برای اهل حق کفایت می کرد؛ چرا که این اعتراف افزون بر آن که انتساب کتاب را ثابت می کند، انگیزه اهل سنت از این همه تلاش را بر انکار انتساب آن نیز به خوبی روشن می سازد.

و انگیزه اهل سنت از انکار آن، پنهان ماندن حقایقی است که ابن قتیبه بی پرده آن ها را بیان کرده است.

جواب: دروغ گفتی!! ترجمه فارسی نوشته عربی این نیست که تو نوشتی ترجمه صحیح این است «... فأما الجاهل فهو ابن قتیبة فلم یبق ولم یذر للصحابة رسماً فی کتاب الامامة والسیاسة ان صح عنه جمیع ما فیه»

(اما نادان همان ابن قتیبہ است که هیچ رسم و نشانی را برای صحابه در کتابش «الإمامة والسیاسة» (از شرف صحبت آنها با رسول الله صلی الله علیه وسلم) پابر جا نگذاشته است، اگر همه آنچه در این کتاب است از او صحت داشته باشد.)

و شما شیعه‌ها اینجا جلوی چشم همه معنی را در فارسی غلط نوشتید و اینطور وانمود کردید که ابن عربی میگوید کتاب امامه و سیاسة درست است اما باید که هر حرف درست را نگوئیم.

خب شما که به این راحتی در روز روشن دروغ میگوئید، پس حیرتی ندارد که شیعه‌ای در تاریکی تاریخ، کتابی دروغی بنویسد و به عالم ما نسبت دهد تا کتابش وزنی پیدا کند

حالا گوش کنید به دلایل کتاب شناسان: آنها چرا میگویند این کتاب تالیف ابن قتیبہ نیست:

دلیل اول - انشاء و اسلوب نگارش این کتاب شبیه بقیه نوشته‌های ابن قتیبہ نیست. دلیل دوم: در متن کتاب به نام بانویی اشاره دارد و از او نقل کرده است. بانوی یاد شده شاهد فتح اندلس در سال ۹۲ ق بوده است با اینکه تولد ابن قتیبہ در ۲۱۳ ق است.

دلیل سوم: در نوشته‌های قدما نامی از این اثر نیست.

دلیل ۴: کسانی که لیست کتب ابن قتیبہ را جمع‌آوری کرده‌اند در آن لیست نام این کتاب را تحت نام ابن قتیبہ ذکر نکرده‌اند بلکه اصلاً آن را نمی‌شناختند، که خود دلیل است بعد از وفان ابن قتیبہ نوشته شده!

مثلاً ابن ندیم اولین کسی است که نسبتاً به تفصیل، به زندگانی ابن قتیبہ پرداخته و کتابهای او را فهرست کرده است. اما در بین کتابهای ابن قتیبہ، اشاره‌ای به الامامة و السیاسة ندارد.

دلیل ۵: در کتب دیگر ابن قتیبہ اشاره‌ای به این کتاب نشده. و او عادتاً در کتابهایش اشاره به نوشته‌های دیگر خود میکند اما اشاره‌ای به امامه و سیاسة ندارد، مگر اینکه بگوئیم الامامة و السیاسة آخرین تالیف اوست

دلیل ۶: نویسندگان مفصلاً به فتوحات اندلس و مغرب پرداخته ولی به فتح سوریه، مصر، عراق و هند اشاره‌ای ندارد. این گویای اهتمام و عنایت نویسندگان و علاقه او به منطقه مغرب و اندلس است. و دلیلی است به اینکه نویسندگان الامامة و السیاسة مغربی نه بغدادی یا رونویسی کرده بخشی از کتاب خود را ...

دلیل ۷: مؤلف از حمله موسی بن نصیر به مراکش یاد می کند. این شهر را یوسف بن تاشفین در ۴۵۴ ساخته و این مطلب با توجه به وفات ابن قتیبه در ۲۷۶ ق سازگار نیست.

دلیل ۸: تعرض به صحابه و ائمه پیشین با مشرب ابن قتیبه سازگار نیست. و در کتب دیگرش جز با احترام با لفظ دیگری از آنها یاد نمی کند.

دلیل ۹: گرایش به شیعه و ضدیت با امویان که در متن هست نشانگر مشرب ابن قتیبه نیست.

دلیل ۱۰: از ابی لیلی متوفی بسال ۹۳ روایاتی آورده در حالیکه ابن قتیبه در سال ۲۷۶ مرده

اگر بگوییم بی سند از او روایت کرده این خود دلیل بر بی ارزش بودن کتاب است و اگر بگوییم او را دیده پس ابن قتیبه عمر نوح ببخشید عمر امام زمان شیعه را داشته.

دلیل ۱۱: کتاب از هم گسیخته و ناهمگون است مثلاً فقط ۴ صفحه را اختصاص داده به تاریخ ابوبکر و عمر و اهمیتش را بیش از این ندیده اما در همان حال ۴ صفحه دیگر را اختصاص داده به کشته شده سعید بن جبیر که نسبتاً کم اهمیت است!

این خود دلیل است که این يك گزارش تاریخی و علمی نیست و برای هدف معینی نوشته شده اما برای علمی کردن آن آخر کتاب را اختصاص داده به فتوحات در افریقا که البته نوشته های آن رونویسی از کتب دیگر است.

و برای این زورکی نام ابوبکر و عمر را آورده تا کسی شك نکند که او شیعه است! گر نه چرا باید فقط ۴ صفحه را اختصاص دهد به این دو مرد نامی؟ این دلایل کتاب شناسان در رد این کتاب بود.

و شیعه اگر هنوز اصرار دارد که این کتاب را ابن قتیبه نوشته باید تك تك آنرا پاسخ دهد و در آخر میگوییم بفرض که نوشته این کتاب ابن قتیبه باشد این که چیزی را ثابت نمی کند

ابن قتیبه که پیغمبر نبوده تا حرفش سند باشد.

اگر او يك حرف بی سند زده صد عالم دیگر مستند سخن دیگری گفته اند!

بعد روایاتی که در کتاب الامامه و الاسیاسه آمده فقط و فقط با کلمه (قال) شروع میشود
و سند ندارد!!!!

(گفت)! کی گفت؟! معلوم نیست که کی گفت!!!!

این کتاب ارزش علمی ندارد و کدام انسان عاقلی کتاب بخاری و مسلم که هر حدیثش با
سند های محکم ثابت شده را رها میکند و میچسبد به این آقای (قال)؟؟؟

(گفت)! کی گفت؟! معلوم نیست که کی گفت!!!!

و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله وصحبه اجمعین.